

# وظایف امت اسلامی در نظام سیاسی

از منظر آیات و روایات

۱۳۷۹/۱۲/۵

خادم حسین صالحی

## چکیده

شکی نیست که بدون نظام سیاسی، امکان امنیت و آرامش، رفاه و آسایش، ترقی و تعالی، سعادت و خوشبختی وجود ندارد، زیرا سیاست همان تدبیر است. بدون جهت نیست که قرآن کریم در آیات متعدد امر به تدبیر می‌کند، به دلیل این که بدون تدبیر نه هدایت جامعه امکان‌پذیر است و نه کسی هدایت می‌شود. این نوشتار با رویکرد توصیفی و تحلیلی در پی ارائه راه‌کارهایی قرآنی، در مورد وظایف ملت اسلامی در نظام سیاسی است که ملت مسلمان در پرتو آن راه‌کارها می‌توانند عزت و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورد. این مقاله با تکیه بر آیات قرآن و روایت معصومین علیهم‌السلام امور ذیل را بررسی نموده است: اطاعت از خدا، اطاعت از رسول خدا، تشکیل حکومت اسلامی، دفاع از نظام اسلامی و نتایج عمل و عدم عمل به وظیفه سیاسی.

کلیدواژه‌ها: وظیفه، سیاست، اطاعت، مخالفت، حکومت و دفاع.

## مقدمه

تردیدی نیست که سیاست مهم‌ترین میدان بروز و ظهور اهداف و خواسته‌ها است و نیز مؤثرترین زمینه در جهت تحقق اهداف است. به‌وسیله سیاست‌مداران بزرگ توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ممکن می‌گردد، زیرا سیاست همان تدبیر است، افراد باتدبیر درست می‌توانند هم در زندگی شخصی خود امنیت، آرامش به ارمغان بیاورند و هم می‌توانند به جامعه خود بلکه به کل جامعه انسانی امنیت آرامش به ارمغان بیاورند. مثلاً، افراد باتدبیر جمعی می‌توانند زمام حکومت جامعه را به داناترین، عادل‌ترین و مدبرترین فرد بسپارند که در این صورت جامعه به سمت ترقی و پیشرفت سوق داده می‌شود و در جامعه امنیت و آرامش حاکم می‌شود که در نتیجه تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه یا جوامع اصلاح می‌شود؛ و هم می‌توانند باتدبیر نادرست، زمام حکومت را به نادان‌ترین، ظالم‌ترین و شقی‌ترین فرد بسپارند که در این صورت جامعه به سمت انحطاط پیش می‌رود و در جامعه ظلم، تعدی، ناامنی، فقر رواج پیدا می‌کند که در نتیجه تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه یا جوامع فاسد می‌شود.

مسئله‌ی خداوند متعال بهترین بندگان خود را به‌عنوان رسول، امام و ولی خود برای حاکمیت جامعه بشری تعیین نموده است؛ و نیز به سایر بندگان خود دستور داده که از آن‌ها اطاعت و پیروی کنند. وظیفه ما این است که در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، سیاسی، اقتصادی و... از خداوند متعال و انبیاء و اولیای او پیروی کنیم. اطاعت و پیروی منوط به معرفت است؛ بنابراین لازم دیدیم که در این مقاله بعضی از وظایف امت اسلامی را در نظام سیاسی مورد بررسی قرار دهیم.

## بیان مسئله

همه مکاتب سیاسی و اعتقادی، معتقدند که هر فرد از اجتماع، وظایف فردی و اجتماعی دارند. خداوند متعال در آیات متعدد به این وظایف اشاره نموده است، «فَوَرَّبُّكَ لَسَأَلْتَهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>(۱)</sup> به پروردگارت سوگند که از همه‌ی مردم سؤال خواهیم کرد؛ یعنی همه شما وظیفه فردی و اجتماعی داشتید، همه شما

مسئولیت داشتید. «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»<sup>(۱)</sup> آن‌ها را متوقف کنید، آن‌ها باید بازخواست شوند؛ یعنی باید پاسخ بدهند که به وظایف عبادی و سیاسی، فردی و اجتماعی خود عمل کردند یا نه. وهم چنین پیامبر اسلام فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول...»<sup>(۲)</sup> همه شما نگهبان و مسئولید؛ بنابراین هر فرد از اجتماع وظایف فردی و اجتماعی، عبادی و سیاسی دارند. مسلماً وظایف اجتماعی و سیاسی مهم‌تر از وظایف فردی و عبادی است؛ زیرا مصلحت جامعه مهم‌تر از مصلحت فرد است. عبادت زمان ارزش دارد که افراد به وظیفه دینی و سیاسی خود عمل کنند یعنی پیروی امام عادل و برحق باشند. کسانی که زیر پرچم، یزید، خوارج، داعش، امریکا و اسرائیل و امثال این‌ها هستند عبادتش هیچ ارزشی ندارند؛ و لذا آشنای به وظیفه دینی و سیاسی، مسئله بسیار مهم و ضروری است.

### ضرورت تحقیق

وظیفه هر فرد مسلمان عمل به قوانین دین است؛ و دین منحصر به امور عبادی، اخلاقی، مربوط به زندگی فردی و خصوصی نیست. بلکه دین برای اقامه عدل و قسط است.<sup>۳</sup> دین برای رهایی از زنجیر اسارت و تأمین آزادی بشر است.<sup>۴</sup> دین برای نجات مستضعفین و مظلومین از چنگال مستکبرین شیطان صفت و پایان دادن به سلطه آن‌ها است. بدیهی است که انجام این امور بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست؛ از این‌روست که در کتب باعظمت آسمانی، تعالیم انبیاء و ائمه معصومین علیهم‌السلام، درباره وظیفه فردی و اجتماعی سخنانی بسیار گفته شده است. علماء و اندیشمندان درباره، وظیفه فردی و اخلاقی تحقیقات بسیار نموده‌اند و کتب بسیار نوشته‌اند. اما در مورد وظیفه اجتماعی و سیاسی که بسیار مهم است کمتر، تحقیقی صورت گرفته است؛ بنابراین لازم است که در این مورد تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

### سؤالات تحقیق

الف. آیا امت اسلامی در امور سیاسی وظایفی دارند؟

ب. اگر وظایفی دارند، آن وظایف چیست؟

### مفاهیم

وظیفه در لغت به کار گفته می‌شود که انسان مکلف به انجام آن باشد.<sup>(۵)</sup>

وظیفه: آنچه اجرای آن شرعاً یا عرفاً در عهده کسی باشد.<sup>(۶)</sup>

سیاست در لغت به معنای، حسن تدبیر، مدیریت، خط‌مشی، سیاست، کاردانی، مصلحت، حکومت‌داری، دیپلماسی است.<sup>(۷)</sup>

۱. صفات/۲۴.

۲. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۱، ص ۳۷.

۳. حدید / ۲۵.

۴. اعراف / ۱۵۷.

۵. فرهنگ معین.

۶. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا.

۷. یوسفی، حسین، فرهنگ عربی، فارسی.

سیاست در معنای عام، هرگونه راهبرد و روش و مشی برای اداره هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی. سیاست به معنای خاص، هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد. (۱)

سیاست، هنر استفاده از امکانات است. (۲)

استاد محمدتقی جعفری، با استنباط از مجموعه دیدگاه‌ها و رهنمودهای حضرت علی علیه السلام و نیز با توجه به سلوک سیاسی آن حضرت، سیاست را چنین تعریف کرده است: «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول». ایشان به درستی بر این نکته تأکید می‌کند که بر مبنای این تعریف، سیاست یکی از واجب‌ترین عبادات و وظایف انسان‌هایی است که شرایط آن را دارند. (۳)

فارابی سیاست را اسم مشترک برای همه انواع آن می‌داند؛ و بر اساس ایده تقابل ارزشی، آن را به دو نوع، سیاست فاضله و غیر فاضله تقسیم می‌کند و در تعریف سیاست فاضله می‌گوید: «السیاسة الفاضله هي التي ينال بها نوعاً من الفضيلة لا يمكن ان يناله الا بها ... و ينال الموسمين من الفضائل في حياتهم الدنيوية و الحياة الاخيرة» (۴)، یعنی سیاست فاضله عبارت است از سیاستی که انسان را به سعادت می‌رساند که بدون آن، رسیدن به سعادت امکان‌پذیر نیست. هم‌چنین شهروندان را در دنیا و آخرت، به فضایی رهنمون می‌شود که در غیر آن، رسیدن بدان میسر نیست.

### وظایف امت اسلامی در نظام سیاسی

امت اسلامی در امور سیاسی وظایف بسیاری دارد که از آن جمله است، اطاعت از خدا، اطاعت از رسول خدا، اطاعت از اولوالأمر، امر به معروف، نهی از منکر، جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و مستکبرین، اجرای قسط و عدالت، دفاع از دین، دفاع از ممالک اسلامی و مظلومین و مستضعفین. پیروی نکردن از کفار و مستکبرین، پیروی نکردن از مسرفین، پیروی نکردن از ظالمین و تشکیل حکومت دینی و اسلامی. با توجه به این‌که، بررسی همه این موارد از حوصله این مقاله خارج است؛ و لذا چهار مورد از این موارد، مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۱. اطاعت از خداوند متعال

اطاعت در لغت، به معنای فرمان بردن است (۵).

واژه اطاعت و مشتقات آن ۷۸ بار در قرآن به کار رفته و مضمون آن از برخی آیات نیز که مشتمل بر این واژه و مشتقات آن نیست، استفاده می‌شود.

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲.

۲. عبد الرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست.

۳. جمع از نویسندگان، مجموعه از چشم انداز امام علی (ع).

۴. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، فصول منتزعه، ص ۹۲.

۵. فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۸۰.

ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۳۱.

## اقسام اطاعت

اطاعت بر دو گونه تکوینی و تشریحی است:

## الف. اطاعت تکوینی

تمام موجودات، هم در اصل تحقق وجود و هم در پذیرش هرگونه تغییر و تحول در اوصاف و کمالات وجود (ذاتی و عرضی) مطیع فرمان پروردگارند. خداوند متعال در آیات متعدد و به صورت مختلف این امر را بیان نموده است مانند آیات ذیل:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا»<sup>(۱)</sup>؛ تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده اویند. همه مخلوقات مملوک و معبودند یعنی مالک نفع و ضرر و مرگ و حیات خود نیست، همه نیازمند و مسخر اوست و در قیامت همه اعتراف به بندگی او می‌کنند. مخلوق بودن و مملوک بود، نوع مخلوق و کیفیت مخلوق امر تکوینی است و خارج از اراده مخلوقات است، مخلوق نمی‌تواند بگوید من مخلوق باشم یا نباشم و نمی‌تواند بگوید من چه نوع مخلوقی باشم، انسان باشم، حیوان باشم، یا سنگ و درخت باشم و نمی‌تواند بگوید کیفیت خلقت من چه گونه باشد، سیاه باشد سفید باشد، پهن باشد یا گیرد باشد و... همه این موارد خارج از اراده مخلوق است.

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»<sup>(۲)</sup>؛ آنچه در آسمانها و زمین هستند، از روی اطاعت و یا کراهت و نیز سایه‌های آنها، هر صبح و شام برای خدا سجده می‌کنند. اولاً: سجده در این آیه به معنی خضوع و تسلیم است، یعنی همه موجودات در برابر خداوند خاضع و تسلیم‌اند.

ثانیاً: خضوع و تسلیم در اینجا تکوینی و غیرارادی است یعنی جسم و جان مخلوقات تسلیم خداوند است چه بخواهد و چه نخواهد.

در داستان حضرت نوح ۷ بافرمان خداوند متعال زمین آب خود را فروبرد: «يَا أَرْضُ اْبْلَعِي مَاءَكِ»<sup>(۳)</sup>؛ و آسمان از باران بازایستاد: «وَايَا سَمَاءِ اَقْلَعِي»<sup>(۴)</sup>. دو صیغه امر «ابلعی» و «اقلعی» امر تکوینی است. تمام اوامر از جانب خداوند به اشیاء و حیوانات اوامر تکوینی است.

و همچنین در آیات دیگری به اطاعت تکوینی بر شیء موجودات اشاره شده است، که در این جا به جهت اختصار به بیان فهرست آن آیات اکتفا شده است: سوره فصلت/ ۴۴ و ۲۱. بقره/ ۶۵. اعراف/ ۱۶۶ و ۵۸. انبیاء/ ۶۹. ملک/ ۱۵. فیل/ ۴. انشقاق/ ۲ و ۵. زلزله/ ۴. زاریات/ ۴۱. نحل/ ۶۸.

۱. سوره مریم، / ۹۳.

۲. سوره رعد، (۱۳) آیه ۱۵.

۳. سوره هود، (۱۱) آیه ۴۴.

۴. همان.

## ب. اطاعت تشریحی

اطاعت تشریحی: اطاعت و فرمان‌برداری از دستورات خداوند که به‌وسیله انبیاء الهی ابلاغ شده است. به‌عبارت‌دیگر اطاعت تشریحی عبارت است از پیرو احکام، قوانین و مقررات دینی. تردید نیست که پیروی از احکام تشریحی بر هر مسلمانی لازم و واجب است و این مسئله مورد اتفاق شیعه و سنی است.

احکام و قوانین الهی به‌طور کلی بر پنج قسم است، احکام عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. متأسفانه احکام سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ به خاطر این‌که دشمنان اسلام متوجه شدند که اگر مسلمانان را از احکام سیاسی غافل کنند، آن‌ها ضعیف می‌شوند و قدرت خود را از دست می‌دهند، فرهنگ خود را از دست می‌دهند، از حق فاصل می‌گیرند و دچار فقر و فساد و فحشا می‌شوند.

حضرت امام خمینی ۱ در این باره می‌فرماید: «البته در اذهان بسیاری بلکه اکثری، بیشتر از مردم، بیشتری از اهل علم، بیشتری از مقدسین این است که اسلام به سیاست چه کار دارد، اسلام و سیاست جداست از هم. همین چیزی که حکومت‌ها نمی‌گذارند، همین‌که از اول القاء کردند این اجانب در اذهان ما و حکومت‌ها در اذهان ما که اسلام به سیاست، آخوند چه کار دارد به سیاست. فلان آخوند را وقتی عیبش را می‌گیرند می‌گویند: آخوند سیاسی است، اسلام می‌گویند از سیاست کنار است، دین علی‌حده است، سیاست علی‌حده، این‌ها اسلام را نشناخته‌اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول‌الله و باقی ماند این حکومت به عدل یا به غیر عدل و در زمان حضرت امیر بود باز حکومت عادله اسلامی بود، یک حکومتی بود باسیاست با همه جهاتی که بود. مگر سیاست‌چی است؟ روابط مابین حاکم و ملت، روابط مابین حاکم با سایر حکومت‌ها - عرض می‌کنم که - جلوگیری از مفاسدی که هست، همه این‌ها سیاست است احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی آن هست. کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جای‌گیر گردانده‌اند و حتی حال باورشان آمده است.

آقایان به اینکه اسلام باسیاست جداست، یک احکام عبادی است مابین خود و خدا، بروید توی مسجدتان و هرچی می‌خواهید دعا کنید، هر چه می‌خواهید قرآن بخوانید ما هم با شما کار نداریم اما این اسلام نیست اسلام در مقابل ظلمه ایستاده است، حکم به قتل داده، حکم به کشتن داده، در مقابل کفار و در مقابل متجاسرین و کسانی که چیز هستند احکام دارد. این همه احکام در اسلام نسبت به این‌ها هست، این همه احکام حکم به قتل و حکم به جهاد و حکم به این‌ها هست، اسلام از سیاست دور است؟! اسلام فقط این مسجد رفتن و قرآن خواندن و نماز خواندن است؟ این نیست، این احکام را دارد و باید این احکام هم اجرا بشود.»<sup>۱</sup>

## ۲. اطاعت از رسول خدا

خداوند متعال در آیات متعدد وظیفه جامعه اسلامی را نسبت به خودش و رسولش معین نموده است؛ که در ذیل به چند نمونه از آیات اشاره شده است:

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۴۰.

در قرآن کریم در آیات متعدد دستور به اطاعت و پیروی از خدا و رسولش داده است، پنج مرتبه با عنوان: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» (۱)، دومرتبه با عنوان «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ» (۲)، چهار مرتبه با عنوان «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» (۳) و یکمرتبه به صورت: «وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» (۴)، یکمرتبه به صورت: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» (۵)، ده مرتبه به صورت «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» (۶)، مردم را به اطاعت و پیروی از خود و رسولش دعوت می‌کند. البته عناوین دیگری نیز وجود دارد که بیانگر همین معنا است مانند: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...»

این آیات بیانگر سه مطلبند:

الف. در تمام این موارد اطاعت به صورت مطلق بیان شده است، مقید به موضع خاص نیست، شامل امور اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند.

ب. آیات مقید به زمانی خاص نیست، یعنی تا روز قیامت باید مطیع فرمان خدا و رسول خدا ۶ باشید.

ج. این آیات به صورت امری بیان شده‌اند، یعنی واجب است بر مسلمانان که از خدا و رسول او پیروی کنند. اطاعت از خدا و رسولش رکن اصلی مسلمان بودن است و اگر کسی از خدا و رسول خدا ﷺ اطاعت نکند به اتفاق شیعه و سنی مسلمان نیست.

در امور سیاسی و اجتماعی دو نوع احکام داریم. در یک نوع احکام رسول الله واسطه بین خدا با بندگان است، دستورهایی خدا را ابلاغ می‌کند. اجرای این نوع دستورها، اطاعت از خدا است مثلاً پیامبر ۶ نماز را ابلاغ نموده است. اگر ما نماز خواندیم، اطاعت از خدا کردیم.

در یک نوع احکام، رسول الله ۶ واسطه خدا با بندگان نیست. خود رسول الله حکم را صادر می‌کند مثل، امر به جنگ، تعیین فرمانده، بسیج عمومی، انتخاب والی، انتخاب قاضی، امضای صلح‌نامه و... در این موارد اطاعت از رسول خدا است، گرچه اطاعت از رسول، به اطاعت از خدا بازمی‌گردد.

### ۳. تشکیل حکومت اسلامی

قطعاً از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز جامعه بشری تشکیل حکومت است، زیرا از طرف انسان موجود اجتماعی است و از طرف دارای خواسته‌های نامحدود است و همه‌چیز را برای خودش می‌خواهد، مسلماً خواسته‌های نامحدود، بدون وجود قانون منجر به هرج‌ومرج و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران می‌شوند. از طرف وجود قانون بدون مجری قانون کافی نیست مجری قانون حکومت است.

بنابراین اطاعت از دستورات خدا و رسول خدا ۶ که یک قانون الهی است، اجرای این قانون در بسیار از موارد نیازمند حکومت دینی است، مثل قضاوت، اجرای عدالت، قصاص، مبارزه با فساد اخلاقی، ایجاد امنیت و آرامش، دفاع از سرزمین اسلامی در برابر هجوم نظامی و فرهنگی دشمن، دفاع از محرومین و مستضعفین در

۱. سوره نساء، (۴)، ۵۹. سوره مائده، (۲۴)، ۵۴. سوره محمد، (۴۷)، ۳۳. سوره تغابن، (۶۴)، ۱۲. سوره نور، (۲۴)، ۵۴.

۲. سوره آل عمران، (۳)، ۳۲ و ۱۳۲.

۳. سوره انفال، (۸)، ۱ و ۲۰ و ۶۴. سوره مجادله، (۵۸)، ۱۳.

۴. سوره نور، (۲۴)، ۵۶.

۵. سوره احزاب، (۳۳)، ۳۳.

۶. سوره آل عمران، (۳)، ۵۰. سوره شعراء، (۲۶)، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹. سوره زخرف، (۴۳)، ۶۳.

برابر زور مداران و مستکبرین، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد امکانات بهداشتی و رفاهی و ایجاد فضای مناسب برای رشد و طرقي جامعه از نظر مادی و معنوی.

مجریان قوانین الهی باید افراد عالم، عادل، صادق، متقی و مطیع فرمان خدا و رسول خدا ﷺ باشند؛ و در غیر این صورت ممکن است برخلاف حکم خدا و رسول خدا ﷺ عمل کنند و یا از قوانین پیروی کنند که آن قوانین مخالف قوانین الهی باشند، که در نتیجه منجر به تعطیلی قوانین و مقررات الهی می-شوند. از این روست که خداوند متعال حاکمان بعد از پیامبر اکرم ۶ را معین کرده و فرمودند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (۱)، ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شد ابلاغ کن و اگر نکنی پیام خدا را نرسانده‌ای. خدا تو را از (شر) مردم حفظ می‌کند.

تمام مفسرین شیعه و بسیاری از مفسری اهل سنت می‌گویند: خداوند متعال در این آیه پیامبر اکرم ۶ را ملزم نموده به معرفی خلیفه و حاکم بعد از خودش یعنی حضرت علی (ع). (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶).

و نیز اوصاف این حاکمان را بیان می‌کند که این‌ها معصوم‌اند در اجرای حکم خدا اشتباه نمی‌کنند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۷)، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شمارا پاک دارد. زیرا شما حاکمان و مجریان احکام خداوند بعد از پیامبر هستید.

با وجود قرائن و شواهد متعدد تردیدی باقی نمی‌ماند که مراد از اهل بیت در این آیه، خمه طیبه است، از جمله شواهد شأن نزول این آیه است که پانزده نفر از صحابه رسول الله (علی بن ابی طالب، فاطمه بن محمد، حسن بن علی، انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، سعد بن ابی وقاص، سعد بن مالک، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر طیار، عایشه، ام سلمه، عمر بن ابی سلمه، وائله بن اسقع، ابی الحمراء) و ده‌ها نفر از علمای اهل سنت در کتب خود نقل نموده‌اند که منظور از اهل بیت در آیه تنها خمه طیبه است.

ترمذی در صحیحش از عمر بن ابی سلمه نقل می‌کند: هنگامی که آیه تطهیر بر پیامبر ۶ در خانه‌ام سلمه نازل شد، پیامبر ﷺ علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام) را دعوت کرد و سپس کساء را بر روی آن‌ها کشید و عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک فرما. (۸)؛ و با معرفی حاکمان الهی و تحقق حاکمیت آن‌ها دین کامل می‌شود و قوانین الهی تعطیل نمی‌شوند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۹)، امروز دین شمارا به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

۱. سوره، مائده، (۵)، آیه ۶۷.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۸.

۳. رازی، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس. تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۱۷۲.

۴. آلوسی البغدادی، شهاب الدین السید محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۶، ص ۱۹۳.

۵. سیوطی، عبد الرحمن بن الکرامل جلال الدین. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸.

۶. شوکانی، محمد بن علی بن محمد. فتح القدر الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر، ج ۲، ص ۶.

۷. سوره، احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

۸. ترمذی السلمی، محمد بن عیسی أبو عیسی. لجامع الصحیح سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۱، ح ۳۲۰۵.

۹. سوره، مائده، (۵)، آیه ۳.



و نیز پیامبر اسلام ﷺ از اول بعثت تا آخرین روز عمر شریفش بارها و بارها این خلفا و حاکمان را معرفی کرده از جمله:

#### الف. جریان «یوم‌الدار»

در جریان یوم‌الدار پیامبر اسلام ﷺ پس از سه سال دعوت مخفیانه مأمور شد که دعوت همگانی خود را از طریق خویشاوندان خود آغاز کند «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (۱)، چهل و پنج نفر از بزرگان بنی‌هاشم را به مهمانی دعوت کرد و پس از صرف غذا آن‌ها را به وحدانیت و رسالت خویش دعوت کرد، (۲)، (۳) و در پایان جانشین و خلیفه خود را معرفی کرد: «إِنْ هَذَا أَخِي وَ وَصِي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم فَاَسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا» (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، هان ای خویشاوندان من بدانید که علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است، حرف او را بشنوید و از او پیروی کنید.

#### ب. جریان غدیر

مورخین، محدثین و مفسرین مشهور شیعه و سنی با سندهای معتبر جریان «غدیر خم» را نقل نموده‌اند، که حضرت رسول اکرم ۶ بین جمعیت زیادی (که تعداد آن‌ها ۱۲۰ هزار نفر روایت شده است) جانشین و خلیفه بعد از خود را معرفی نمود و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِي مَوْلَاهُ» (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۴)، (۱۵)، (۱۶)، هر کس من مولای اویم علی ع مولای او است.

#### ج. جریان جنگ تبوک

در جریان جنگ تبوک رسول‌الله ﷺ خطاب به علی فرمود: «أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ نَبِيٌّ بَعْدِي» (۱۷)، آیا دوست نداری نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی،

۱. سوره، شعرا، (۷۶)، آیه ۲۱۴.
۲. طبری، محدثین جریر، تهذیب الآثار، ج ۳، ص ۶۳.
۳. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، ص ۴۷...
۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۳.
۵. طبری، محمد بن جریر، تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار، ج ۳، ص ۶۳.
۶. بغوی، تفسیر البغوی، تحقیق: خالد عبد الرحمن العک، ج ۳، ص ۴۰۰.
۷. شافعی، علی بن الحسن ابن هبة الله، تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمیة من حلها من الأمثال، ج ۴۲، ص ۴۹.
۸. تمیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶، ح ۶۹۳۱.
۹. شیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۴، ح ۶۴۱.
۱۰. قزوینی، محمد بن یزید أبو عبدالله، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۲۱.
۱۱. ترمذی السلمی، محمد بن عیسی أبو عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳، ۳۷۱۳.
۱۲. نسائی، أحمد بن شعیب أبو عبد الرحمن، السنن الكبرى، ج ۵، ص ۴۵، ح ۸۱۴۵.
۱۳. حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۴۵۷۶.
۱۴. دینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة، الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۹۱.
۱۵. بخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم أبو عبدالل، تاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۲۴، ح ۲۲۷۷.
۱۶. أوسى البغدادی، شهاب الدین السید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۷، ص ۱۷۸.
۱۷. بخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله، الجامع الصحیح المختصر، ج ۴، ص ۱۶۰۲، ح ۴۱۵۴.

مگر نبوت. چون که باب نبوت با آمدن پیامبر اسلام ﷺ بسته شد. این حدیث باکم اختلاف در منابع مختلف ذکر شده است، (۱)، (۲)، (۳)

#### د. حدیث ولایت

این روایت از طرق متعدد و با سندهای صحیح از رسول خدا ۶ نقل شده: «ان عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي» (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، به راستی علی از من است و من از او هستم و او سرپرستی همه مؤمنان پس از من است.

#### ه. حدیث اثنا عشر خلیفه

این روایت با سندهای صحیح در منابع شیعه و اهل سنت آمده است که رسول خدا ۶ بارها فرمودند که جانشینان من تا قیامت تنها دوازده نفر خواهند بود، «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً» (۹)، (۱۰)، (۱۱)، این امر (اسلام) منقضی نمی‌شود تا اینکه دوازده خلیفه در بین آن‌ها بگذرند (حکومت کنند). این حدیث با عبارت «اثنا عشر امیراً»، (۱۲) و «اثنا عشر نقیباً» (۱۳) و «اثنا عشر قیماً» (۱۴)، نیز نقل شده است.

متأسفانه این تلاش‌ها مثمر ثمر واقع نشد و امت اسلام به وظیفه خود عمل نکرد، قرآن را نادیده گرفت و سخنان پیامبر خدا را ناشنیده، خلافت به اهلش نرسید و جامعه از بزرگ‌ترین نعمت الهی محروم شد. امام خمینی ۱ در این باره می‌فرماید: «از اول مسلمین و اسلام گرفتار هواهای نفسانیه ای بوده‌اند و این گرفتاری‌ها که ما الآن داریم سرچشمه‌اش همان هواهای نفسانی بود که بعد از رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) به واسطه آن هواها نگذاشتند که حکومت حق تشکیل بشود اگر گذاشته بودند که حکومتی که اسلام می‌خواهد، حاکمی را که خدای تبارک و تعالی امر به تعیینش فرموده است، رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) تعیین فرمود، اگر گذاشته بودند که آن تشکیلات پیش بیاید، حکومت، حکومت اسلامی باشد، حاکم، حاکم منتخب منصوب من قبل الله تعالی باشد، آن وقت مردم می‌فهمیدند که اسلام چیست و معنی حکومت اسلامی چیست مع الاسف بعد از رسول الله (صلی‌الله علیه و آله) منحرف کردند مردم را از آن چیزی که

۱. قزوینی، محمد بن یزید أبو عبدالله، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲، ح ۱۱۵.

۲. نسائی، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۲۲، ح ۸۴۳۸...

۳. شاشی، أبو سعید الهيثم بن كليب. المسند للشاشی، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۹۹...

۴. شیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۳۷.

۵. ترمذی السلمي، محمد بن عيسى أبو عيسى. الجامع الصحيح سنن الترمذی.

۶. نسائی، أحمد بن شعيب. فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۱۴.

۷. جزری، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد. سد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۱۱۷.

۸. تمیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، ج ۱۵، ص ۳۷۳.

۹. قشیری النيسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسين. صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۱...

۱۰. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل. فتح الباری شرح صحيح البخاری، ج ۱۳، ص ۲۱۱، ح ۶۷۹۶.

۱۱. لسیوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر. تاريخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰.

۱۲. بخاری، محمد بن إسماعيل. الجامع الصحيح المختصر، ج ۶، ص ۲۶۴۰.

۱۳. شیبانی، أحمد بن حنبل. مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۳۷۸۱.

۱۴. موصلی التمیمی، أحمد بن علی بن المشني بو يعلى، مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۷۹.

پیغمبر امر فرموده بود و اتکا به انحراف در زمان خود هم نبود بلکه زمینه فراهم کردند از برای این که تا آخر نشود یک حکومت اسلامی تشکیل بشود».<sup>(۱)</sup>

#### ۴. دفاع از حکومت اسلامی

دفاع از توحید و حق و عدالت، دفاع از قرآن و سنت نبوی و امامت و آزادی و استقلال مسلمین و دفاع از مظلومین و ستمدیدگان، در برابر کفر و شرک و الحاد و نفاق و بیداد، از ضروری‌ترین فرایض اجتماعی امت اسلام است؛ زیرا انبیا و اولیای الهی که خلیفه الله (آ) است، برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی، خون‌دل‌ها خوردند، رنج‌ها کشیدند، اهانت‌ها را تحمل کردند، شعله‌های آتش (آ) و شکنجه‌های زندان (آ) را به جان‌ودل خریدند؛ و در مقابل یاهو گوئی‌های ابوجهل‌ها که گفتند او مجنون<sup>۵</sup>، ساحر<sup>۶</sup>، شاعر<sup>۷</sup> و... است، صبر کردند. برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی، دردناک‌ترین دردها را تحمل کردند؛ و از شدت ناراحتی در تاریکی شب با چاه سخن گفتند<sup>۸</sup>. برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی، از جان، مال و فرزندان خود گذشتند و با خونشان صحراها را رنگین کردند تا این نهال مقدس آبیاری شوند. برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی، در برابر تمام رنج‌های اسارت و داغ عزیزان خود نه‌تنها صبر کردند، بلکه تمام این رنج‌ها را زیبا دیدند<sup>۹</sup>. این جریان ادامه پیدا کرد و در این راه، صدها عالم و دانشمند و هزاران مجاهد فی سبیل الله جان، مال و فرزندان خود را از دست دادند.

بدون تردید دفاع از دین و ارزش‌های آن بدون یک حکومت قدرتمند دینی امکان‌پذیر نیست. حفظ ارزش‌های دینی و اجرای قوانین الهی نیازمند به‌نظام اسلامی است. از این‌روست که حضرت امام خمینی قدس سره همراه با یارانش و ملت مسلمان ایران، نظام اسلامی را تشکیل دادند؛ و برای حفظ آن و هزاران شهید جان باز تقدیم کردند.

#### امام خمینی علیه السلام در این زمینه فرمودند

«اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌های و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند؛ و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد

۱. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً. (بقره/۳۰). يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ (ص/۲۶).

۳. فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ. (عنکبوت/۲۴).

۴. فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ. (یوسف/۴۲).

۵. وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازدَجِر. (قمر/۹). وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ. (قلم/۵۱). قَالَ إِنْ رَسُولُكُمْ الَّذِي أَرْسَلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ. (شعرا/۲۷).

۶. فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مَوْسَىٰ مَسْحُورًا. (اسراء/۱۰۱). قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ. (یونس/۲).

۷. لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ (صفات/۳۶).

۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص ۱۵۳.

۹. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثير الأحران، ص ۹۰.

فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.

اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است که انبیای عظام از آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا خاتم‌النبیین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات الله با کوشش‌های توان‌فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند؛ و امروز بر ملت ایران، خصوصاً و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به‌طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند؛ و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرت‌های عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند.<sup>۱</sup>

همچنین در فرمایش دیگری فرمودند:

«حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.»<sup>۲</sup>

امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید

«حفظ نظام، یعنی حفظ همه‌ی ارزش‌هایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آن‌ها می‌داند؛ مثل عدالت، مثل پیشرفت، مثل معنویت، مثل علم، مثل اخلاق، مثل مردم‌سالاری، مثل قانون‌گرایی، مثل آرمان‌گرایی؛ آرمان‌گرایی جزو مؤلفه‌های اصلی نظام اسلامی است و نظام اسلامی بدون آرمان‌گرایی یک‌چیز سطحی و صوری است.»<sup>۳</sup> «این نظام با اسلام به وجود آمد، با اسلام هم زنده خواهد ماند. همه‌ی مسئولین نظام باید به این نکته توجه کنند و به اسلام و احکام اسلام و به ارزش‌های اسلامی افتخار کنند.»<sup>۴</sup>

### نتایج تخلف از وظایف سیاسی

متأسفانه بعضی مسلمانان چه در زمان حیات پیامبر اسلام چه بعد از حیات پیامبر اسلام به وظایف سیاسی خود عمل نکردند و از دستورات صریح خدا و رسول او نافرمانی کردند که در نتیجه به بسیاری از احکام الهی عمل نشد و زیان‌های جبران‌ناپذیری هم به دین و هم به جامعه اسلامی وارد شد، عدالت و رأفت اسلام زیر سؤال رفت، کفار و منافقین بر جوامع اسلامی مسلط شدند، عزت و افتخار مسلمانان از بین رفت و جوامع

<sup>۱</sup> خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۰۳-۴۰۲.

<sup>۲</sup> همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲.

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۸/۳/۳.

اسلامی گرفتار جهل، فقر و فساد شدند، بندگان خالص خدا و هادیان برحق یا کنار گذاشته شدند و یا زندانی شدند و یا به شهادت رسیدند. در ذیل به چند نمونه نافرمانی اشاره شده است.

الف: نافرمانی بعضی صحابه در زمان حیات پیامبر ﷺ

۱. سرپیچی از فرمان رسول خدا ﷺ در قضیه نماز جمعه.

بخاری در صحیحش درباره این قضیه می‌نویسد: «از جابر بن عبدالله نقل شده که گفت: روز جمعه بود و ما در حال نمازخواندن با پیامبر ۶ بودیم، قافله‌ای وارد شد، مردم همه متفرق شدند جز دوازده نفر؛ خداوند این آیه را نازل کرد». «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». (۱)، (۲)؛ هنگامی که آن‌ها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند. بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

۲. مخالفت با رسول خدا ﷺ در روزه سفر

مسلم نیشابوری در صحیحش می‌نویسد: «جابر بن عبدالله می‌گوید: پیامبر در سال فتح مکه در ماه رمضان باحالت روزه از شهر خارج شد و به منطقه‌ای رسید، همراهان آن حضرت هم روزه بودند، ظرفی آب درخواست نمود و آن را بالا برد تا مردم آن را ببینند، سپس آن را نوشید. پس از گذشتن لحظاتی، گفتند: برخی از مردم روزه هستند. فرمود: آنان سرکشان هستند، سرکشانند.» (۳)

۳. مخالفت عمر با پیامبر ﷺ در نوشتن وصیت

در واقعه «یوم الخمیس» پیامبر ﷺ فرمود: «کاغذ و دواتی برایم بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم که پس از من گمراه نشوید». در این میان خلیفه دوم برخاست و گفت: «این مرد گرفتار تب شده و هذیان می‌گوید! کتاب خدا ما را کفایت می‌کند». پس از این مخالفت رسول الله ۶ فرمود: «برخیزید و بروید که نباید در حضور پیامبری ندای اختلاف برخیزد.» (۴)، (۵)

۴. مخالفت ابوبکر و عمر از دستور رسول خدا ﷺ در پیوستن به لشکر اسامه.

تردید نیست که سران مهاجر و انصار در این جنگ فراخوانده شده بود از جمله ابوبکر، عمر و سعد بن ابی‌وقاص... (۶)، (۷)، (۸). علی‌رغم تأکید پیامبر اکرم ﷺ بر حرکت اسامه و اطاعت از او اما عده‌ای تخلف کردند.

۱. سوره جمعه/ ۱۱.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح المختصر، ج ۴، ص ۱۸۵۹، ح ۴۶۱۶.

۳. قشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۸۵، ح ۱۱۱۴.

۴. بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله. الجامع الصحیح المختصر، ج ۵، ص ۱۲۴۶، ح ۵۳۴۵.

۵. قشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۵۹، ح ۱۶۳۷.

۶. زهری، محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله البصری. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۰.

۷. ابن الجوزی أبو الفرج، عبد الرحمن بن علی بن محمد. المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمه، ج ۴، ص ۱۶. ۱۳۵۸.

۸. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۵۲.

مورخین و محدثین نوشته‌اند: پیامبر فرمود: «جهّزوا جيش أسامة، لعن الله من تخلف عنه»<sup>(۱)</sup>، (أ) (ب)؛ سپاه اسامه را با سازوبرگ روانه کنید، لعنت خدا بر کسی که از همراهی با سپاه سرباز زند. این حدیث به این عبارت نیز نقل شده، که رسول خدا فرمود: «أنفذوا بعث أسامة»، (أ)، (ب)، (ج)؛

ب. نافرمانی بعض صحابه بعد از پیامبر ﷺ

با رحلت بزرگ‌ترین موجود عالم هستی (حضرت ختم مرتبت) بعد از خداوند متعال، بزرگ‌ترین تراژدی جان‌سوز، بزرگ‌ترین ضایعه هستی و بزرگ‌ترین عزا و ماتم در جهان بشریت بلکه در جهان هستی وارد شد. مؤمنینی واقعی در غم از دست دادن آن خورشید عالم‌تاب می‌سوختند، در حال گریه و عزاداری بودند. اما عده که در انتظار چنین فرصتی بودند برای رسیدن به قدرت بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و با یکدیگر به نزاع می‌پرداختند، تعداد از مهاجرین برای رسیدن به قدرت ابوبکر را نامزد خلافت کردند و گروهی از انصار برای رسیدن به قدرت سعد بن عباده را نام زد خلافت کردند و در «سقیفه بنی ساعده» گرد آمدند که شخص موردنظر خود را به خلافت برسانند. بخاری در صحیح خود می‌نویسد: «واجتمعت الأنصار إلى سعد بن عبادة في سقيفة بنی ساعده فقالوا منا أمير ومنكم أمير...»<sup>(۲)</sup>، (أ)، (ب)؛ امیری از ما انصار و امیری از شما مهاجرین، انتخاب شود.

بزرگ‌ترین مصیبت جهان اسلام بعد از رحلت ختم مرتبت این بود که تعداد زیادی از مسلمانان به وظیفه سیاسی خود عمل نکردند و به وصایا و سفارش‌های پیامبر ۶ توجه نکردند و به دنبال خواسته‌های نفسانی خود رفتند و اولیای خدا را کنار گذاشتند؛ مسیر تاریخ را عوض کردند، عدالت و آزادی را به زنجیر کشیدند و هدایت و طرقي را کمرنگ کردند؛ و صحنه‌های دردناک «جمل»، «نهروان»، «صفین» و «کربلا» و... را به وجود آوردند.

### نتایج عمل به وظیفه سیاسی

اگر امت اسلامی به وظیفه دینی و سیاسی خود عمل کند، از نعمت‌های مادی و معنوی بهره‌مند می‌شود؛ که در ذیل به بعضی از این نعمت‌ها اشاره شده است:

#### ۱. عزت و آزادی

تردیدی نیست که عزت و افتخار، استقلال و آزادی، در هر جامعه بستگی به این دارد که آن جامعه به وظیفه‌ی سیاسی خود عمل می‌کند یا نه؟ خداوند سبحان که مظهر عزت و قدرت است و این مسئله را رد

۱. شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم بن ابی بکر أحمد. الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۳.
۲. بن ابی‌الحدید المدائنی، أبو حامد عز‌الدین بن هبة الله بن محمد بن محمد. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴.
۳. الإیجی، عضد‌الدین عبد‌الرحمن بن أحمد. کتاب‌المواقف، ج ۳، ص ۶۵۰.
۴. واقدی، أبو عبد‌الله محمد بن عمر بن واقد، کتاب‌المغازی، ج ۲، ص ۴۷۵.
۵. بن‌ایوب‌الحمیری‌المعافری أبو محمد، عبد‌الملک بن هشام. السیره‌النویه لابن‌هشام، ج ۶، ص ۶۵.
۶. زهری، محمد بن سعد بن منیع أبو عبد‌الله البصری. الطبقات‌الکبری، ج ۲، ص ۲۴۹.
۷. زهری، محمد بن سعد بن منیع أبو عبد‌الله البصری. الطبقات‌الکبری، ج ۲، ص ۲۶۹.
۸. بخاری‌الجعفی، محمد بن‌إسماعیل أبو عبد‌الله. الجامع‌الصحیح‌المختصر، ج ۳، ص ۱۳۴۱، ح ۳۴۶۷.
۹. بیهقی، أحمد بن‌الحسین بن علی بن موسی أبو بکر. سنن‌البیهقی‌الکبری، ج ۸، ص ۱۴۲، ح ۱۶۳۱۳.

آیات مختلف بیان نموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> و عزت و سربلندی از آن خدا و رسول او و مؤمنان است. حضرت امام خمینی ۱ در این زمینه می‌فرماید: «امروز، جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابره‌نه و مرفهین بی‌درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم.»<sup>(۲)</sup>

امام خامنه‌ای (حفظه الله) در این باره می‌فرماید: «عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود.»<sup>(۳)</sup> و در سخن دیگر می‌فرماید: «ما عزت خود را که به‌وسیله‌ی اسلام و نظام اسلامی و حرکت انقلابی و نگاه انقلابی و آرمان‌های انقلابی به‌دست آمده است، از دست نخواهیم داد. امروز دشمنان مشغول چالش هستند و هر روزی یک‌جور چالشی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند؛ ما ابایی نداریم، ما بیمی نداریم.»<sup>(۴)</sup>

بنابراین اگر مسلمانان به این وظیفه مهم عمل کنند، هم عزت و افتخار خود را به دست می‌آورند و هم استقلال و آزادی خود را. چنان‌که ملت مسلمان و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی وقتی تصمیم گرفتند، به وظیفه دینی و سیاسی خود عمل کنند، در کمترین زمان توانستند، حکومت استبدادی پادشاهی را با تمام قدرت و امکاناتش ساقط کنند و استقلال و آزادی خود را به دست آورند؛ و تمام تلاش‌های استکبار جهانی را ناکام گذاشتند؛ و در تمام عرصه‌های علمی و فن‌آوری پیشرفت نمودند؛ و هم چنین وقتی بخش کوچک از مسلمانان افغانستان، لبنان، سوریه، فلسطین، یمن، به وظیفه سیاسی خود عمل کردند، استکبار جهانی را با تمام قدرتش شکست دادند.

## ۲. هدایت در صراط مستقیم

خداوند سبحان تمام عالم هستی را از سه طریق هدایت می‌کند یکی از طریق تکوین، این نوع هدایت شامل موجوداتی می‌شود که ذی‌شعور نیست و خداوند تکلیفی را متوجه آن‌ها نکرده است؛ و تمام این موجودات به سوی آن غایتی تعیین شده در حرکت‌اند، بدون هیچ‌گونه ضلالت و گمراهی، «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»<sup>(۵)</sup>.

طریق دوم، هدایت تشریحی است، این نوع هدایت شامل موجودات می‌شود که ذی‌شعورند، تکلیف و مسئولیت دارند باید در قبال اعمال خود پاسخ گو باشند. برای هدایت این موجودات صدویبست و چهار هزار پیامبر آمدند و کتب متعدد از جمله قران را آوردند؛ تا به این‌ها راه را نشان بدهند، حق و باطل را معرفی کنند، «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>(۶)</sup>، آن وقت تو هستی که حق را قبول کنی یا باطل را، از

۱. مناققون / ۸.

۲. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۵.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۴. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۴/۲/۳۰.

۵. طه / ۵۰.

۶. انسان / ۳.

خدا پیروی کنی یا از شیطان، زیر پرچم علی باشی و یا زیر پرچم معاویه، ولایت فقه را پذیری یا ولایت ضد فقه را. در این نوع هدایت ضلالت و گمراهی و جود دارد، زیرا بعضی غفلت می‌کنند، بعضی فریب می‌خورند و بعضی به دلایل مختلف نمی‌توانند صراط مستقیم را پیدا کنند.

طریق سوم، هدایت ایصال الی المطلوب است. یعنی خدا دست انسان را می‌گیرد و به مقصد می‌رساند. این نوع هدایت نیز شامل موجودات ذی‌شعور می‌شود و هرگز درش ضلالت و گمراهی نیست. این هدایت خاص است و هدایت مشروط است، شامل کسانی می‌شوند شرایط را داشته باشند. آن شرایط چیست؟ آن شرایط تقوا است، هرکسی تقوا داشته باشد، هدایت ایصال به مطلوب می‌شود، «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَأَرْبَابٍ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (۱). چه کسی باتقوا است؟ کسی تقوا دارد که به تمام وظایف سیاسی و عبادی خود عمل کند، یعنی و هم قرآن بخواند و هم به قرآن عمل کند، هم نماز بخواند و هم امر به معروف و نهی از منکر کند، هم روزه بگیرد و هم با ظلم و استبداد بجنگد، «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» هم حج بروند و هم از ولایت علی عليه السلام دفاع کند؛ اگر امت اسلامی بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به وظیفه خود عمل می‌کردند و رهبری جامعه را که حق علی بود، به او می‌سپردند، مردم را به راه راست هدایت می‌شدند. چنانکه پیامبر اسلام ۶ فرمودند: «عن حذيفة بن اليمان قال قالوا يا رسول الله ألا تستخلف عليا قال إن تولوا عليا تجدوه هاديا مهديا يسلك بكم الطريق المستقيم» (۲)، (۳)؛ به رسول خدا عرض کردند: آیا علی را به‌عنوان جانشین تعیین نمی‌فرمایید؟ فرمودند: اگر علی را به‌عنوان سرپرست قبول کنید او را هدایت‌کننده و هدایت‌شده خواهید یافت که شمارا به راه راست می‌کشاند.

و نیز در حدیث ثقلین که رسول خدا فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي» (۴) و در حدیث سفینه «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (۵). «إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحَ الْهَدْيِ وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ» (۶)، این احادیث بیان‌گر این مطلب است که اگر اداره جامعه به ائمه معصومین سپرده می‌شد، جامعه اسلامی به صراط مستقیم هدایت می‌شدند و از گمراهی نجات پیدا می‌کردند.

### ۳. ترویج سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

با توجه به این‌که احادیث پیامبر، تبیین‌کننده قرآن است، ترویج احادیث پیامبر در واقع ترویج قرآن است و پیامبر از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید: «ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى.» (۷). اگر بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امت اسلامی به وظیفه سیاسی خود عمل می‌کردند و جریان غدیر را فراموش نمی‌کردند و اداره جامعه را به دست بزرگ‌ترین مدافع سنت یعنی امام علی عليه السلام می‌سپردند و اگر سخنان خلیفه اول و دوم ملاک قرار نمی‌گرفتند، چنان‌که خلیفه اول گفت: «فلا تحدثوا عن رسول الله شيئاً

۱. بقره/۲.

۲. صبهانی، ابو نعیم أحمد بن عبد الله. حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۱، ص ۶۴.

۳. سیوطی، الحافظ جلال الدین عبد الرحمن. جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائد الجامع الکبیر)، ج ۳، ص ۲۶۲.

۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴.

۵. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ص ۶۰.

۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۴، ص ۵۲.

۷. سوره نجم آیه ۳.



فمن سألكم فقولوا بيننا وبينكم كتاب الله»<sup>(۱)</sup>، از رسول خدا حدیث نقل نکنید، پس اگر کسی از شما سؤال نمود بگویند بین ما و شما کتاب خدا است؛ و خلیفه دوم گفت: «حسبنا کتاب الله»<sup>(۲)</sup>، کتاب خدا ما را کفایت می‌کند و ما نیازی به نوشته‌های رسول خدا (یعنی سنت) نداریم؛ و اگر سخنان رسول خدا به آتش کشیده نشده بود، چنانکه خلیفه اول پانصد (۵۰۰) حدیث از احادیث رسول خدا را سوزاند.<sup>(۳)</sup> و اگر حدود صدسال از کتابت و نقل حدیث منع نشده بود، امروز در جامعه اسلامی سنت ناب رسول‌الله رواج می‌داشت و دیگر از این همه احادیث جعلی و اسرائیلیات خبری نبود؛ تا جای که ذهبی می‌گوید: «وقف علی ان ثلاثه ارباعه کذب»<sup>(۴)</sup>؛ من به این نتیجه رسیدم که سه چهارم احادیث موجود، دروغ است.

#### ۴. اتحاد جامعه اسلامی

سنت همیشگی الهی بر این تعلق گرفته که اتحاد رمز عزت و پیروزی ملت‌ها و اختلاف و تفرقه رمز ذلت و خواری ملت‌هاست. اسلام (که دین عقل و منطق است، دین رحمت و مهربانی است و فلسفه وجودی‌اش برای نجات و سعادت ابدی بشر است) وحدت امت اسلامی را مهم‌ترین عامل عزت و قدرت جامعه اسلامی معرفی نموده است، احکام اسلام مملو از مفاهیمی است که مسلمانان را به وحدت دعوت نموده و از تفرقه و اختلاف بر حذر داشته است. قرآن کریم، از اتحاد به‌عنوان نعمت الهی یاد نموده است.<sup>(۵)</sup> و امت اسلام را امت واحد می‌نامد.<sup>(۶)</sup> و آن‌ها را برادر یکدیگر می‌خواند.<sup>(۷)</sup> و از آن‌ها می‌خواهد در امور خیر و تقوا مددکار هم باشند.<sup>(۸)</sup> و با تمسک به حبل متین الهی هرگونه اختلاف و تفرقه را کنار بگذارند.<sup>(۹)</sup> زیرا تفرقه و نزاع، شمارا سست می‌کنند و قدرت و اقتدار شما از بین می‌برند.<sup>(۱۰)</sup>

امام علی علیه السلام وحدت را عامل اقتدار و عزت، موجب شکست دشمن، باعث عافیت و سلامت و دستیابی به نعمت‌های فراوان و مایه بزرگی و کرامت، امت‌های گذشته دانسته.<sup>(۱۱)</sup>

امام خمینی این شخصیت فرزانه جهان اسلام، فرمودند: «اگر مسلمانان به دستورات اسلام رفتار کنند و وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع که مایه شکست آن‌هاست، دست بکشند، در سایه پرچم «لااله الاالله» از تجاوز دشمنان اسلام و جهان خواران مصون خواهند شد و دست شرق و غرب را از بلاد عزیز مسلمین قطع خواهند کرد...»<sup>(۱۲)</sup>

۱. ذهبی، أبو عبد الله شمس الدین محمد، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳.

۲. بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله. الجامع الصحیح المختصر، ج ۴، ص ۱۶۱۲، ح ۴۱۶۹.

۳. متقی بن حسام الدین الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ج ۱۰، ص ۱۲۴، ح ۲۹۴۶۰.

۴. ذهبی أبو عبد الله، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، سیر أعلام النبلاء، ج ۷، ص ۲۲۷...

۵. آل عمران / ۱۰۳.

۶. انبیاء / ۹۲.

۷. حجرات / ۱۰.

۸. مائده / ۲.

۹. آل عمران / ۱۰۳.

۱۰. انفال / ۴۶.

۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۲۹۶، خ ۱۹۲.

۱۲. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۵.

و در سخن دیگر فرمودند: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است.»<sup>(۱)</sup>

لازمه اتحاد عمل به وظیفه سیاسی است، اگر مردم مسلمان به وظیفه سیاسی خود عمل کنند در جامعه اسلامی اتحاد حکم‌فرما می‌شود. در ذیل به چند نمونه از عوامل اتحاد اشاره شده است:

#### ۱. اعتقاد به توحید

اساسی‌ترین عامل وحدت اعتقاد به وحدانیت خداوند یکتا است، اعتقاد به این که در جهان هستی یک خالق است، «قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»،<sup>(۲)</sup>؛ بگو: خدا آفریننده هر چیزی هست، «هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>(۳)</sup>؛ او خالق همه چیز است؛ بنابراین مسلمانان در خالق بودن خدا باهم اختلاف ندارند و همه معتقدند که خالق همه‌ای موجودات خداوند متعال است.

#### ۲. اطاعت از خدا و رسولش

اطاعت از خدا و رسولش بزرگ‌ترین عامل و وحدت در جامعه اسلامی است. اگر امت اسلامی در تمام امور اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از خداوند متعال و رسول اکرم (ص) اطاعت کنند دیگر گرفتار اختلاف و نزاع نمی‌شوند.

#### ۳. اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام

اطاعت از اهل بیت (ع) از مهم‌ترین عامل وحدت در جامعه اسلامی است؛ زیرا اهل بیت علیهم‌السلام بنا به فرموده رسول الله ۶ عدل قرآن‌اند، «من در میان شما دو یادگار سنگین و گران‌بها بجای می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا (قرآن) و دیگری اهل بیت من و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا روز رستاخیز در کنار حوض کوثر به من برسند.»<sup>(۴)</sup> اهل بیت علیهم‌السلام کشتی نجات‌اند «مثل اهل‌بیتی من در میان شما مثل کشتی نوح‌اند و هر که بر آن کشتی نشست نجات یافت و هر کسی آن را رها کرد غرق گردید.»<sup>(۵)</sup>

#### ۴. اجرای عدالت

اساسی‌ترین منشأ اختلافات در جوامع بشری، فقر و فساد، جهل و نادانی، هواهای نفسانی و ظلم و استبداد هستند. اگر عدالت در جامعه حکم‌فرما شود بسیاری از این اختلافات از بین می‌روند؛ زیرا اگر در جامعه عدالت باشد، دیگر فقر و فساد نیست، جهل و نادانی نیست، چون که کارها، مسئولیت‌ها، منابع و بیت‌المال بدن هرگونه تبعیض نژادی، قومی و جغرافیایی، با توجه به لیاقت‌ها تقسیم می‌شوند، در این صورت همه

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۰۴.

۲. رعد/۱۶.

۳. انعام / ۱۰۲.

۴. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۰، ح ۴۷۱۱.

۵. الهیثمی، أحمد بن محمد بن علی ابن حجر، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ۲، ص ۴۴۵.

می‌توانند ثروت داشته باشند، همه می‌توانند علم بیاموزند و هواهای نفسانی کم‌رنگ می‌شوند؛ بنابراین اتحاد چه در بین جامعه و چه با جوامع دیگر بدون اجرای عدالت امکان‌پذیر نیست. قرآن کریم می‌گوید: حتی در مورد دشمنت به عدالت رفتار کن، «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (۱)؛ و نباید دشمنی با گروهی شمارا بر آن دارد که عدالت نورزید عدالت کنید که آن به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

##### ۵. افزایش برکات الهی

شکی نیست که رحمت خدا همچون بارانی است که دائماً بر عالم هستی می‌بارد؛ زیرا او ارحم الراحمین است رحمت او عالم هستی را در بر گرفته است «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (۲) تعداد و انواع رحمت او بسیارند و قابل‌شمارش نیست، «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (۳)؛ نه در رحمت او خلاف است و نه فرقی میان افراد می‌گذارد؛ اما ظرفیت وجودی انسان‌ها برای دریافت این نعمت‌ها متفاوت است، هر که ظرفیت بیشتر دارد، رحمت بیشتر دریافت می‌کند و هر که ظرفیت کمتر دارد نعمت کمتری دریافت می‌کند، اما با داشتن تقوا ظرفیت بیشتر می‌شود.

چه کسی تقوا دارد؟ کسی تقوا دارد که از اوامر و نواهی خدا و رسول او پیروی کند؛ و یک بخش بسیار مهمی از اطاعت در امور سیاسی است. زیرا هر مسئله که در راستای اطاعت خدا و رسولش قرار نگیرد مخالفت با خدا است. اگر از حاکمی پیروی شود که حکم آن حاکم مخالف حکم خدا و رسول باشد، مخالفت با خدا و رسول است. یا از قوانینی پیروی شود که آن قوانین مخالف قوانینی الهی باشند، مخالفت با خدا و رسول است.

از نظر قرآن این مطلب یک حقیقت مسلم و غیرقابل تردید است که بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم است. «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (۴)؛ اگر مردمی که در آبادی‌های روی زمین زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوای پیشه کنند برکات از آسمان و زمین بر آن‌ها خواهیم گشود. جامعه می‌تواند تقوا داشته باشد که در آن جامعه قوانین الهی حاکم باشد، از خدا و رسول پیروی شود نه از طاغوت، درهای رحمت الهی بر چنین جامعه‌ی گشوده می‌شود. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (۵)؛ در خشکی‌ها و دریاها، فساد و تباهی بر اثر اعمال مردم، ظاهر شد. جامعه که زیر پرچم طاغوت است و از قوانین طاغوت پیروی می‌کند، درهای رحمت بر آن جامعه بسته می‌شود، به فساد تباهی کشیده می‌شود.

نتیجه این می‌شود که وظیفه مسلمین این است، که از قوانین و مقررات که مخالف قوانین و مقررات الهی هستند پیروی نکنند؛ بنابراین لازمه اطاعت از خدا و رسول او در بسیاری از امور، نیازمند حکومت الهی و دینی است و از جمله وظایف ملت‌های مسلمان تشکیل حکومت الهی و دینی‌اند؛ و در غیر این صورت اطاعت از خدا و رسول خدا در امور متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی عبادی امکان‌پذیر

۱. مائده / ۸.

۲. اعراف/۱۵۶.

۳. ابراهیم/۳۴.

۴. اعراف/۹۶.

۵. روم/۴۱.

نیست، زیرا بین قوانین الهی و قوانین «حکام غیردینی» تعارض به وجود می‌آیند و با نبود حکومت الهی قوانین و مقررات الهی تعطیل می‌شوند و در نتیجه جامعه از رحمت الهی محروم می‌شود.

#### ۶. اجرای عدالت

تردیدی نیست که اجرای عدالت، در امور اجتماعی یکی امر ضروری است و در صورت تحقق آن، بسیار از مشکلات بشری اعم از مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و... برطرف می‌گردد؛ و لذا خداوند متعال فلسفه بعثت انبیا و تشریح ادیان الهی را تحقق قسط و عدل معرفی می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۱). ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم به عدل قیام کنند. و نیز فرمودند: «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (۲)؛ و ما هیچ شهری را نابود نکردیم، مگر آنکه ساکنین آن ستمگر بودند. از این آیه، به خوبی استفاده می‌شود که ظلم و بی‌عدالتی در جامعه موجب زوال و هلاکت جامعه خواهد بود. امام علی علیه السلام فرمود: «الْعَدْلُ قِوَامُ الْبَرِيَّةِ» (۳). قوام و دوام انسان و جامعه‌ی انسانی بر اساس عدل و توازن استوار است.

و لذا مسلمانان در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی موظف به اجرای عدالت‌اند. اجرای عدالت بدون حکومت قدرتمند ممکن نیست؛ بنابراین وظیفه عقلی و شرعی امت اسلام است که حکومت اسلامی تشکیل دهند و اداره جامعه را به حاکم عالم و عادل بسپارند تا حق از باطل شناخته شود و عدالت نیز اجرا شود. اگر امت اسلامی در شناخت حق و باطل دچار مشکل شدند و از اجرای عدالت به دور ماندند، به این خاطر است که به وظایف سیاسی خود عمل نکردند و حاکم حق را از اداره جامعه محروم کردند.

حضرت امام خمینی ره همواره در سخنان خود یکی از اهداف حکومت اسلامی را تحقق عدالت، آزادی و استقلال و احیای هویت بومی برمی‌شمرده است. «اگر احکام اسلام پیاده شود، مستضعفین به حقوق خودشان می‌رسند. تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند، ظلم و جور و ستم ریشه‌کن می‌شود... در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند» (۴) و در سخن دیگر فرمودند: «... عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت‌ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌هاست. عدالت، معنایی نیست که تغییر نکند؛ یک‌وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد» (۵).

امام خامنه‌ای در این بار می‌فرماید: «مهم‌ترین وظیفه‌ی مسئولان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های همه‌ی افراد به امکانات کشور» (۶).

۱. حدید / ۲۵.

۲. قصص / ۵۹.

۳. تمیمی آمدی، عبدلواحدبن محمد (۱۳۶۶ هـ). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۷۷۵۱، ص ۳۳۹.

۴. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۷۹.

۵. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱.

۶. بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان ۱۳۸۴/۰۲/۱۸.

در سخن دیگر و می‌فرماید: «ما به‌عنوان شیعه باید این درس را به یاد داشته باشیم که عدالت قابل‌اغماض و قابل‌معامله نیست و هیچ‌یک از مصالح گوناگون - نه مصالح فردی و نه مصالح حکومت و کشور اسلامی - نمی‌تواند با عدالت معامله شود». (۱)

---

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۲/۸/۲۳.

## نتیجه‌گیری

یافته‌هایی این تحقیق عبارت انداز:

۱. بررسی مفهوم وظیفه و سیاست، در لغت و اصطلاح.
۲. تبیین چهار نوع وظیفه امت اسلامی در نظام سیاسی. اطاعت از خدا و رسولش، تشکیل حکومت اسلامی و دفاع از حکومت اسلامی.
۳. برای جامعه اسلامی تشکیل حکومت اسلامی امر ضروری است، زیرا اجرای قوانین الهی در موارد متعدد (مثل قضاوت، اجرای عدالت، قصاص، مبارزه با فساد اخلاقی، ایجاد امنیت و آرامش و ...)، بدون حاکمان دینی امکان‌پذیر نیست.
۴. خداوند متعال در آیات متعدد حاکمان الهی را معرفی نموده است، مانند آیه تبلیغ، آیه اکمال و... و نیز پیامبر اسلام (ص) از اول بعثت تا آخرین روز عمر شریفش بارها و بارها این خلفا و حاکمان را معرفی کرده، در یوم‌الدار، غدیر خم، جنگ تبوک و ...
۵. اما متأسفانه بعضی مسلمانان چه در زمان حیات پیامبر اسلام چه بعد از حیات پیامبر اسلام دستورات خدا و رسولش را نادیده گرفتند به وظیفه سیاسی خود عمل نکردند و زیان‌های جبران‌ناپذیری را هم به دین و هم به جامعه اسلامی وارد کردند.
۶. اگر امت اسلامی به وظیفه سیاسی خود عمل می‌کرد از نعمت‌های مادی و معنوی بهره‌مند می‌شد، مانند هدایت در صراط مستقیم، هدایت به سوی بهشت، اتحاد جامعه اسلامی و...

## منابع

١. قران كريم.
٢. ابن أبي الحديد المدائني. شرح نهج البلاغة، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمرى. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ هـ، ١٩٩٨ م.
٣. ابن جوزي، عبد الرحمن. المنتظم في تاريخ الملوك والأمم، بيروت: دار صادر، الطبعة: الأولى ١٣٥٨.
٤. ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة، قم، چاپ: اول.
٥. ابن مشهدي، محمد بن جعفر، المزار الكبير (لابن المشهدي)، قم، چاپ: اول، ١٤١٩ ق.
٦. ابن نما حلي، جعفر بن محمد، مثير الأحزان. انتشارات، مدرسه امام مهدي، ايران؛ قم، چاپ: سوم، ١٤٠٦ ق.
٧. آشوري، داريوش، دانشنامه سياسي، تهران: مرواريد، ١٣٨٤.
٨. اصبهاني، أحمد بن عبد الله. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء. بيروت: دار الكتاب العربي. الطبعة: الرابعة، ١٤٠٥
٩. آلوسی البغدادي، شهاب الدين السيد محمود. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٠. ايجي، عبد الرحمن بن أحمد. كتاب المواقف. تحقيق: عبد الرحمن عميرة. بيروت: دار الجيل، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ ١٩٩٧ م.
١١. بخارى الجعفي، محمد بن إسماعيل. التاريخ الكبير، دار النشر: دار الفكر.
١٢. بخارى، محمد بن إسماعيل. الجامع الصحيح المختصر، بيروت: تحقيق: محمد محي الدين، دار ابن كثير، چاپ سوم، ١٤٠٧.
١٣. بغوي. تفسير البغوي. تحقيق: خالد عبد الرحمن العك. بيروت: دار المعرفة.
١٤. بيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر. سنن البيهقي الكبرى. تحقيق: محمد عبد القادر عطا. مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ١٤١٤ - ١٩٩٤.
١٥. ترمذي السلمي، محمد بن عيسى. الجامع الصحيح سنن الترمذي. تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٦. تميمي البستي، محمد بن حبان. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان. تحقيق: شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣.
١٧. جزري، علي بن محمد. اسد الغابة في معرفة الصحابة. تحقيق: عادل أحمد الرفاعي. بيروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ اول ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.
١٨. جمع از نویسندگان، مجموعه از چشم انداز امام علي (ع).
١٩. حاکم النيسابوري، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١١ - ١٩٩٠ م.
٢٠. حميري المعافري، عبد الملك بن هشام. السيرة النبوية لابن هشام. تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد. بيروت: دار الجيل، الطبعة: الأولى، ١٤١١.

٢١. خصيبي، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى. بيروت: ١٤١٩ ق.
٢٢. خميني، روح الله، صحيفه نور. ناشر: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امان خميني.
٢٣. دهخدا، علي اكبر. لغت نامه دهخدا. محل نشر تهران.
٢٤. دينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة. الإمامة والسياسة. تحقيق: خليل المنصور. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ - ١٩٩٧ م.
٢٥. ذهبي أبو عبد الله، محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، سير أعلام النبلاء. تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي. بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣.
٢٦. ذهبي، محمد، تذكرة الحفاظ. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى.
٢٧. رازي، عبد الرحمن بن محمد. تفسير القرآن. تحقيق: أسعد محمد الطيب. صيدا: المكتبة العصرية.
٢٨. زهري، محمد بن سعد. الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
٢٩. سيوطي، الحافظ جلال الدين عبد الرحمن. جامع الاحاديث الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير. دار النشر.
٣٠. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر. تاريخ الخلفاء. تحقيق: محمد محي الدين عبد الحميد. مصر: مطبعة السعادة، الطبعة: الأولى، ١٣٧١ - ١٩٥٢ م.
٣١. سيوطي، عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين. الدر المنثور. بيروت: دار الفكر، ١٩٩٣.
٣٢. شاشي، أبو سعيد الهيثم بن كليب. المسند للشاشي. تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله. المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة: الأولى، ١٤١٠.
٣٣. شافعي، علي بن الحسن ابن هبة الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري. بيروت: دار الفكر. چاپ، ١٩٩٥ م.
٣٤. شريف الرضي، محمد بن حسين، نهج البلاغة (للصحي صالح)، انتشارات هجرت، قم، چاپ: اول، ١٤١٤ ق.
٣٥. شهرستاني، محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد. الملل والنحل. تحقيق: محمد سيد كيلاني. بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٤.
٣٦. شوكاني، محمد بن علي بن محمد. فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير. بيروت: دار الفكر.
٣٧. شيباني، أحمد بن حنبل أبو عبد الله. فضائل الصحابة. تحقيق: د. وصي الله محمد عباس. بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٣ - ١٩٨٣.
٣٨. شيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل. مصر: مؤسسة قرطبة.
٣٩. شيخ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة. قم، چاپ: اول، ١٤٠٩ ق.
٤٠. طباطبائي، سيد محمد حسين. الميزان في تفسير القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامي، چاپ پنجم، ١٤١٧ ق.
٤١. طبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير. تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي. الموصل: مكتبة الزهراء، الطبعة: الثانية، ١٤٠٤ - ١٩٨٣.



٤٢. طبرى، محدبن جرير. تهذيب الآثار. قاهره: مطبعة المدنى.
٤٣. طبرى، محمد بن جرير. تاريخ طبرى. بيروت: دار الكتب العلمية.
٤٥. طوسى، محمد بن الحسن، الأمالى (للطوسى). قم، چاپ: اول، ١٤١٤ ق.
٤٦. عبد الرحمن عالم، بنيادهاى علم سياست. تهران: نشر ١٣٧٣.
٤٧. عسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر أبو الفضل. فتح البارى شرح صحيح البخارى. تحقيق: محب الدين الخطيب. بيروت: دار المعرفة.
٤٨. فارابى، ابونصر محمد بن محمد، فصول منتزعه.
٤٩. معين، محمد، فرهنگ معين، تهران: انتشارات اميركبير، ١٣٨٨.
٥٠. فيومى، احمد بن محمد. المصباح المنير. قم، چاپ: دوم.
٥١. قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران.
٥٢. قزوينى، محمد بن يزيد أبو عبدالله. سنن ابن ماجه. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار الفكر.
٥٣. قشيرى النيسابورى، مسلم بن الحجاج. صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٥٤. متقى الهندي، علاء الدين على، كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال. تحقيق: محمود عمر الدمياطى. بيروت دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ-١٩٩٨ م.
٥٥. مفيد، محمد بن محمد. الفصول المختارة، ص ٩٧. قم: كنگره شيخ مفيد، چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
٥٦. موصلى التميمى، أحمد بن على، مسند أبى يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ.
٥٧. نسائى، أحمد بن شعيب. السنن الكبرى. تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١١ - ١٩٩١.
٥٨. نسائى، أحمد بن شعيب. فضائل الصحابة. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول ١٤٠٥.
٥٩. هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، ناشر: الهادى؛ قم، چاپ: اول، ١٤٠٥ ق.
٦٠. واقدى، أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد، كتاب المغازى. تحقيق: محمد عبد القادر أحمد عطا. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى: ١٤٢٤ هـ ٢٠٠٤ م.
٦١. يوسفى، حسين، فرهنگ عربى، فارسى، دانشگاه مازندران، چاپ، چهارم، ١٣٨٨،